



## تفکر خودبنیاد به خودآگاهی و پرسش از ماهیت و سابقه خود رسیده است

هروز فرنو در کلاس بحران آخرازمانی عالم کنونی، گفت: وقتی به سخن متفکرانی چون نیچه و هیدگر در باب غلبه نیست انگاری استناد می شود منظور آن است که تفکر خودبنیاد در کانون خود به خودآگاهی و پرسش از ماهیت و سابقه خود رسیده است.

هروز فرنو در کلاس بحران آخرازمانی عالم کنونی، گفت: وقتی به سخن متفکرانی چون نیچه و هیدگر در باب غلبه نیست انگاری استناد می شود منظور آن است که تفکر خودبنیاد در کانون خود به خودآگاهی و پرسش از ماهیت و سابقه خود رسیده است.

به گزارش خبرنگار مهر، از سلسله کلاسهای آموزشی بنیاد فردید، شنبه سوم آبان ماه یکی دیگر از کلاسهای «بحران آخرازمانی عالم کنونی از نظرگاه متفکر فقید دکتر فردید» با تدریس بهروز فرنو تشکیل شد.

در این جلسه فرنو گفت: مرحوم استاد فردید در طرح مسئله غرب و غربزدگی دقت خاصی داشتند و آن چیزی که جلال آل احمد از غربزدگی بیان کرده منظوراستاد نبوده است و نظر ایشان چیز دیگری بوده است. عصر جدید دوره استیلای تفکر غرب و خودبنیان جدید و مدرن است که در مغرب زمین برای اولین بار به تمامیت می رسد. در 2500 سال تاریخ تفکر بشرانگاری و خود بنیادی به معنای جدید بی نظیر بوده است. در عصر جدید همه چیز معطوف به انسان شد (اومانیزم) و عصر خود بنیادی آغاز گردید.

وی افزود: من می اندیشم پس هستم جمله ی معروف دکارت است. عقل، معرفت، فلسفه و همه چیز به من ختم شد. حالا مسئله این است با این توصیف از مطلب در مرحله اول خود مغرب زمین است که غرب زده می شود. یعنی غروب تفکر در تاریخ 2500 ساله در خود مغرب زمین اولین بار تعیین یافت و بعد به شرق و غرب عالم تسری پیدا کرد. سوال این است که قریب 50 سال از طرح غربزدگی در کشور ما می گذرد. مرحوم آل احمد تلقی خودش را از این موضوع بیان داشت. استاد فردید قبل و بعد از انقلاب توضیح داده اند که منظورشان از غربزدگی، آن غربزدگی که آل احمد گفته و شرق و غرب جغرافیایی را در مقابل هم قرار داده نبوده است.

رئیس بنیاد فردید ادامه داد: منظور استاد فردید طرح مسائل با توجه به حکمت و فلسفه بوده است. صحبت های ایشان بارها مطرح شده است. اینکه چرا به آن عنایت نمی شود؟ نمی دانم. غربزدگی و غرب مسئله صرف تقلید از دنیای غرب نیست. بلکه مسئله عالم جدیدی است که بشر از نو در آن هبوط کرده است. حالا چرا به این مسئله آنچنان که توقع استاد بوده توجه نمی شود؟ برای بنده معلوم نیست. همین امروز باز من در اینترنت مطلبی دیدم که کسی اشکال کرده بود که اگر فردید مخالف غربزدگی بود چرا به اقوال هیدگر که فیلسوفی غربی است استناد کرده است. حال آن که اولاً بارها توضیح داده شده که در بحث غربزدگی منظور شرق و غرب جغرافیایی نیست بلکه منظور توجه به تفکر خودبنیاد جدید است که اول بار از اروپا نشأت گرفت. حال چه در شرق عالم چه در غرب عالم.

این محقق و پژوهشگر یادآور شد: آن کس که به این ابتلای زمانه توجه کند در جهت گذشت از آن خواهد بود و هرکس غافل از آن باشد غربزده خواهد بود. در این تلقی مثلاً یک گروه موسیقی رپ در لس آنجلس غربزده است به غربزدگی مضاعف ایجابی و در عین حال بسیط و گروه داعش در این سوی عالم غربزده است به غربزدگی مضاعف سلبی و در عین حال مرکب. چون خود نمی داند که غربزده است. دوم این که وقتی به سخن متفکرانی چون نیچه و هیدگر در باب غلبه نیست انگاری استناد می شود منظور آن است که تفکر خودبنیاد در کانون خود به خودآگاهی و پرسش از ماهیت و سابقه خود رسیده است. در پایان سیر تفکر متافیزیکی فلسفی، تفکر، به پرسش از سابقه خود رسیده است.

بدیهی است که در این مدعا نمی توان به اقوال حکمای گذشته یا فیلسوفان دوره اسلامی یا قرون وسطی استناد کرد. بلکه وضعی است که در تفکر مابعد مدرن قابل طرح است. اگر در این خصوص به اقوال حکما و عرفای عالم اسلام استناد شود تنها می توان به انتقاد آنها از عقل و فلسفه یونان توجه داشت که مرحوم فردید در این خصوص نیز تأمل کافی کرده است. اما انتظار این که مساله پیش آمده در عالم ما بعد مدرن را به اقوال گذشتگان استناد کنیم، هیچ وجهی ندارد. وقتی بحث از نیست انگاری در پایان این دوره است، ناگزیر باید به اقوال کسانی چون نیچه و هایدگر یا دیگر منتقدان مدرنیته نظر داشت. بحث این است که حالا این حرفها کم و بیش گفته شده جای این است که به درسگفتارهای استاد فردید بیشتر توجه و در آن تأمل شود.

رئیس بنیاد فردید تصریح کرد: عرض من این است تفکر سیر و وضعی که در عالم دارد، اقتضای بحران های سیاسی اجتماعی کنونی را داشته است. این طور نیست که اتفاقات سیاسی یا مشکلات اجتماعی ربطی به بحران تفکر نیست انگار نداشته باشد. بلکه هر آنچه در قرون اخیر اتفاق افتاده، اعم از جنگ های جهانی یا بحران های اجتماعی نتیجه مستقیم وضع تفکر در عالم جدید است که بدون توجه به ماهیت خودبنیادانه آن نمی توان وضع گذشت از غرب و غربزدگی را پیدا کرد. این تذکری است که استاد فردید بارها آن را مطرح کرده اند اما در کمال تعجب ملاحظه می شود که هنوز عنایت کافی حتی از جانب برخی از اهل نظر هم به مساله نشده است.